

آنرا امام فخر الدین رازی رحمه الله تعالی گفته است که معناه اذ کر ضعیفه
 و سراً و معنی قوله دون الجهر من القول دون الجهر المفرد المراد منه
 ان يقع الذکر بحيث يكون بين الخافتة والجهر كما قال الله تعالی
 ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلاً بین
 تقدیر آیت بر جواز ستر و جهر دلیل است و بر افضلیت ستر باعتبار
 تضرع و خیفه چنانکه در اعتبارات دیگر فضیلت جهر است
 قول دوم این که محقق سبحانی در آیت مذکوره برای فرضیت
 و جوب نسبت ما ضمه آن در دائره حرمت و کراهت داخل نشود بلکه
 امری است برای ارشاد که قوله تعالی تضرعاً و خیفه آن ارشاد میکند
 و قول سوم اختصار صوفیه که ام است به لیلی که ظاهر شده است
 ایشانرا از انوار کشف صادق که بر غیر آنها خفی باشد و آن این که خطاب
 الهی در آیت لقصاص نفس نفیس نبی دار و صلی الله علیه و آله
 و سلم در آن غیراً مدخلی نیست قول چهارم آنکه آیت محمول است
 بر سماع قرآن چنانکه اتصال قول او تعالی بدان بر آن دلیل است که فرمود
 و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون پس معنی
 چندین باره از ذکر ربک ایها المنصت فی نفسک تضرعاً و خیفه ابن جریر
 و ابو الفتح از ابن زبیر نقل کرده آورده اند و امام اجل سیوطی در رساله
 النسخه
 هذا الاصل
 و الظاهر ان
 الظاهر ان

نتیجه فکر

عند الاصل
 و الظاهر ان
 الظاهر ان

نتیجه فکر من فرمایند که ما امر بالانصات خشم من ذلک البطالة
 خشمه عما انه وان كان مأموراً بالانصات الا ان یکنى بالذکر القلبي
 الحق لا یفعل عن ذکر الله تعالی و لا یختم بقوله ولا یکن من الغافلیه
 پس در آیت بر منع جهر دلالتی نباشد و جواب دلیل دوم این که
 طبری درین فرعی حاکم از صدقه رضی الله عنها آورده اند که آیت مذکوره
 درباره دعاء ششده نزول یافته و نیز ابن مردویه حدیث ابی هریره را
 آورده قال کان رسول الله علیه و سلم اذا صلی عند البیت رفع صوته
 بالدعاء فنزلت هذه الاية پس هیچ دلالتی بر نفی و منع مطلق
 ذکر جهر ندارد و جواب بوجه دیگر آنکه آیت مذکوره بر منع جهر مطلق
 دلالت است لقوله تعالی و ابتغ بین ذلک سبیلاً که نه بر منع مطلق
 جهر پس دلیل باشد برای مجوزی نه برای مانع و بوجه دیگر
 جواب اینکه نزول آیت وقع شده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 در مکه اختفا داشت و هنگام جلوسه جهر میکرد و شرکان آن را
 شنیده در حق قرآن و منزل آن زبان بگستاخی میکشودند
 لهذا من جهر آمده و لا تجهر بصلاتک ای بقراءة القرآن کرده شد
 امام بخاری و ترمذی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده
 و تفسیر و تفسیح نموده اند بحدیث پس منع جهر مصلوۃ بسبب
 ایندای مغرک است بود و آن را مثل شد و علت مرتفع گشت